



## بررسی حجیت ظواهر قرآن از منظر علمای اصولی و اخباری

ابراهیم منصوری خواجه لنگی<sup>۱\*</sup>، مسلم منصوری خواجه لنگی<sup>۲</sup>، هدایت الله صالحی میثانی<sup>۳</sup>

۱- رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج

۲- کارشناس ارشد فلسفه تعلیم و تربیت

۳- کارشناس ارشد ادبیات فارسی

\*e\_mansouri71@yahoo.com

ارسال: خرداد ماه ۹۶ پذیرش: مهر ماه ۹۶

### چکیده

اعتبار و حجیت احکام شرعی از طریق ظواهر کتاب و سنت در نزد دانشمندان اصول و فقه امری پذیرفته شده و مسلم تلقی می شود، اما با پیدایش اخباریین در قرن ۱۱ هجری، حجیت بودن ظواهر از جهات متعددی مورد تردید قرار گرفت. اخباریین حجیت قرار دادن ظواهر قرآن را انکار نمودند. آنان در توجیه نظر خود تحریف قرآن را به صراحت پذیرفتند و درصدد اثبات آن برآمدند. تسلط نسبی تفکر آنان بر حوزه های شیعی بیش از یک قرن ادامه نیافت، اما برخی از نتایج نظرات آنان استمرار پیدا کرد. دانشمندان اصولی از همان آغاز به مقابله و نقد آراء آنان پرداختند، به گونه ای که هم اکنون نیز تمام دانشمندان فقه و اصول در حوزه های علمیه بر اعتبار و حجیت بودن ظهور تأکید می نمایند. در سال های اخیر فهم قرآن و سنت از طریق ظواهر توسط برخی روشنفکران مسلمان مورد تردید قرار گرفته و حتی برای اقامه دلیل بر نظر خود، به برخی از نظرات اخباریین نیز تمسک جسته اند و از جهاتی به نظر آنان که در انکار حجیت ظواهر بوده نزدیک شده اند. در این پایان نامه به بررسی حجیت ظواهر قرآن از منظر علمای اصولی و اخباری پرداخته ایم. یافته ها نشان می دهد که نظریه اخباریین مبنی بر حجیت نبودن ظواهر قرآن با تمام تفضیلاتی که این دسته از دانشمندان ابراز داشتند، نادرست بوده و دلایلی که برای اثبات آن اقامه کرده اند فاقد استحکام و استواری است، از این رو دانشمندان از معاصرین اخباریین تا به امروز در ابطال نظر اخباریین تلاش جدی کرده اند.

کلمات کلیدی: حجیت، ظواهر قرآن، علمای اصولی، اخباریین.

### ۱. مقدمه

اعتبار و حجیت احکام شرعی از طریق ظواهر کتاب و سنت در نزد دانشمندان اصول و فقه امری پذیرفته شده و مسلم تلقی می شود، اما با پیدایش اخباریین در قرن ۱۱ هجری، حجیت بودن ظواهر از جهات متعددی مورد تردید قرار گرفت. اخباریین حجیت قرار دادن ظواهر قرآن را انکار نمودند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۸ق، ص ۲۳).

آنان در توجیه نظر خود تحریف قرآن را به صراحت پذیرفتند و در صدد اثبات آن برآمدند. تسلط نسبی تفکر آنان بر حوزه های شیعی بیش از یک قرن ادامه نیافت، اما برخی از نتایج نظرات آنان استمرار پیدا کرد. دانشمندان اصولی از همان آغاز به مقابله و نقد آراء آنان پرداختند، به گونه ای که هم اکنون نیز تمام دانشمندان فقه و اصول در حوزه های علمیه بر اعتبار و حجت بودن ظهور تاکید می نمایند. در سال های اخیر فهم قرآن و سنت از طریق ظواهر توسط برخی روشنفکران مسلمان مورد تردید قرار گرفته و حتی برای اقامه دلیل بر نظر خود، به برخی از نظرات اخباریین نیز تمسک جسته اند و از جهاتی به نظر آنان که در انکار حجیت ظواهر بوده نزدیک شده اند. در این مطالعه ادعای اخباریین در نفی اعتبار ظواهر قرآن مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته و باتکیه بر آراء دو دانشمند بزرگ اصولی معاصر مرحوم نائینی و امام خمینی، نظر آنان نقد شده است.

در علم اصول مباحث زیادی که اختصاص به قرآن داشته باشد نداریم. غالب مباحث مربوط به قرآن، مشترک است میان کتاب و سنت. تنها مبحث اختصاصی قرآن مبحث «حجیت ظواهر» است، یعنی آیا ظاهر قرآن قطع نظر از اینکه وسیله حدیثی تفسیر شده باشد حجت است و فقیه می تواند آن را مستند قرار دهد یا خیر؟ (سرامی، ۱۳۹۲، ص ۴۵)

به نظر عجیب می آید که اصولیون چنین مبحثی را طرح کرده اند. مگر جای تردید است که یک فقیه می تواند ظواهر آیات کریمه قرآن را مورد استناد قرار دهد؟. این مبحث را اصولیون شیعه برای رد شبهات گروه اخباریون طرح کرده اند. اخباریون- چنانکه قبلاً اشاره شد- معتقدند که احدی غیر از معصومین حق رجوع و استفاده و استنباط از آیات قرآن را ندارد، و به عبارت دیگر: همواره استفاده مسلمین از قرآن باید به صورت غیر مستقیم بوده باشد، یعنی به وسیله اخبار و روایات وارده از اهل بیت. اخباریون در این مدعا به اخباری استناد می کنند که «تفسیر به رأی» را منع کرده است. اخباریون مدعی هستند که معنی هر آیه ای را از حدیث باید استفسار کرد، فرضاً ظاهر آیه ای بر مطلبی دلالت کند ولی حدیثی آمده باشد و بر ضد ظاهر آن آیه باشد، ما باید به مقتضای حدیث عمل کنیم و بگوییم معنی واقعی آیه را ما نمی دانیم (اسلامی، ۱۳۸۴).

علیهذا اخبار و احادیث «مقیاس» آیات قرآنیه اند. ولی اصولیون ثابت می کنند که استفاده مسلمین از قرآن به صورت مستقیم است، معنی تفسیر به رأی که نهی شده این نیست که مردم حق ندارند با فکر و نظر خود معنی قرآن را بفهمند، بلکه مقصود این است که قرآن را براساس میل و هوای نفس و مغرضانه نباید تفسیر کرد (مطهری؛ ۱۳۷۷، ج ۲۰، ص: ۴۱).

اصولیون می گویند خود قرآن تصریح می کند و فرمان می دهد که مردم در آن «تدبر» کنند و فکر خود را در معانی بلند قرآن به پرواز درآورند، پس مردم حق دارند که مستقیماً معانی آیات قرآنیه را در حدود توانایی به دست آورند و عمل نمایند. بعلاوه در اخبار متواتره وارد شده که پیغمبر اکرم و ائمه اطهار از اینکه اخبار و احادیث مجعوله پیدا شده و به نام آنها شهرت یافته نالیده و رنج برده اند و برای جلوگیری از آنها مسئله «عرضه بر قرآن» را طرح کرده اند. فرموده اند که هر حدیثی که از ما روایت شده بر قرآن عرضه کنید اگر دیدید مخالف قرآن است بدانید که ما نگفته ایم، آن را به دیوار بزنید (نکونام، ۱۳۸۰، ص ۳۲).

پس معلوم می شود برعکس ادعای اخباریون احادیث معیار و مقیاس قرآن نیستند بلکه قرآن معیار و مقیاس اخبار و روایات و احادیث است (مطهری، ۱۳۷۷، ج ۲۰، ص: ۴۱).

درباره حجیت ظواهر سنت احدی بحثی ندارد ولی در باب سنت- که مقصود همان اخبار و روایات است که قول یا فعل یا تقریر پیغمبر یا امام را بازگو کرده است - دو مطلب مهم وجود دارد که اصولیون درباره آنها بحث می کنند. یکی حجیت خبر واحد است، دیگر مسئله تعارض اخبار و روایات است. از این رو دو فصل مهم و پرشاخه در علم اصول باز شده یکی به نام «خبر واحد» و دیگر به نام «تعادل و تراجیح»

برای روشن تر شدن موضوع در پی آنیم تا در این مطالعه به بررسی دیدگاه اصولیون و اخباریون در خصوص حجیت ظواهر قرآن پردازیم .

## ۲. نظریه اخباریین در خصوص حجیت یا عدم حجیت ظواهر قرآن کریم

اعتبار و حجیت احکام شرعی از طریق ظواهر کتاب و سنت در نزد دانشمندان اصول و فقه امری پذیرفته شده و مسلم تلقی می‌شود، اما با پیدایش اخباریین در قرن ۱۱ هجری، حجت بودن ظواهر از جهات متعددی مورد تردید قرار گرفت. اخباریین حجت قرار دادن ظواهر قرآن را انکار نمودند. آنان در توجیه نظر خود تحریف قرآن را به صراحت پذیرفتند و در صدد اثبات آن برآمدند. تسلط نسبی تفکر آنان بر حوزه‌های شیعی بیش از یک قرن ادامه نیافت، اما برخی از نتایج نظرات آنان استمرار پیدا کرد. دانشمندان اصولی از همان آغاز به مقابله و نقد آراء آنان پرداختند، به گونه‌ای که هم‌اکنون نیز تمام دانشمندان فقه و اصول در حوزه‌های علمیه بر اعتبار و حجت بودن ظهور تأکید می‌نمایند. در سال‌های اخیر فهم قرآن و سنت از طریق ظواهر توسط برخی روشنفکران مسلمان مورد تردید قرار گرفته و حتی برای اقامه دلیل بر نظر خود، به برخی از نظرات اخباریین نیز تمسک جستند و از جهاتی به نظر آنان که در انکار حجیت ظواهر بوده نزدیک شده‌اند. در این فصل ادعای اخباریین در نفی اعتبار ظواهر قرآن مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته و با تکیه بر آراء دو دانشمند بزرگ اصولی معاصر مرحوم نائینی و امام خمینی، نظر آنان نقد شده است.

## ۳. اخباریین، اصولیین و انسدادیون

اخباریین به عده‌ای از دانشمندان شیعی در قرن یازدهم و دوازدهم اطلاق می‌شود که اجتهاد را در استنباط احکام شرعی انکار کرده و منابع فقه را در سنت و احادیث معصومین (ع) منحصر نمودند و اعتقادی به نقش عقل و اجماع و قرآن مستقل از تفسیر ائمه اطهار (ع) نداشتند (جناتی، ادوار اجتهاد، ص ۳۱۰ به بعد: ۱۳۷۲)، آنان بر این باور بودند که مؤسس علم اصول فقه اهل سنت بوده و استفاده از قواعد آن علم در استنباط احکام سبب می‌گردد احادیث اهمیت لازم خود را از دست بدهد. از مهم‌ترین رهبران اخباریین مولی محمد امین استرآبادی مؤلف کتاب الفوائد المدینه بود.

او در کتابش همه مجتودان از قدیمین تا شهیدین را به باد انتقاد گرفت و همه را پیرو مکتب اهل سنت می‌دانست (گرچی، ص ۲۳۰) از دیگر بزرگان اخباری سید نعمت الله جزایری است. وی وقوع تحریف لفظی قرآن را به صراحت مطرح و به طور مستقل مورد بحث قرار داد و برای اثبات آن اقامه دلیل نمود (آیت الله معرفت، مصونیت قرآن از تحریف، ص ۱۶۲ و ۹۹). مکتب اخباریگری در قرآن یازدهم و دوازدهم هجری در بلاد شیعه به خصوص عراق و سواحل خلیج فارس و ایران توسعه و تسلط پیدا کرد، اما با مخالفت اصولیین شیعه که در زمان مرحوم وحید بهبهانی به اوج خود رسید، دوره‌ی اخباریین بعد از میرزا احمد بن عبد النبی متوفی به سال ۱۲۳۳ قمری به پایان رسید (رک: دایرة المعارف تشیع، ج ۳، ص ۱۲). اخباریین تنها علم را ملاک کشف احکام شرعی می‌دانستند و به راه‌های ظنی اعتباری نمی‌دادند. علم و یقین به بیشتر احکام را با استناد به اخبار رسیده از اهل بیت - علیه السلام - مسیر می‌دانستند. (محدث بحرانی، الدرر النجفیه، ص ۴۶۲ و علامه استرآبادی، الفوائد المدینه، ص ۱۰۶ و ۹۰، ۱۲۹).

از همین رو ظهورشناسی آیات قرآن را بدون اتکاء به روایات مأثوره‌ی تفسیری از ائمه اطهار (ع) معتبر نمی‌دانستند و سعی داشتند تا این نظر را به بزرگان محدثین پیش از خود نسبت دهند (استرآبادی، الفوائد المدینه، ص ۱۲۲ و محدث نوری، فصل الخطاب، ص ۹۸).

محدثین دانشمندانی هستند که از حدود غیبت کبری تا نیمه‌ی اول قرن پنجم در عالم شیعه دوران فقه نقلی را پدید آوردند. ایشان با شیوه‌ی متقن و دقیق در فراگرفتن و نقل حدیث، شناسایی اسناد و فهم متن آن، کتب روایی مهمی از جمله کتاب‌های چهارگانه شیعی پدید آوردند. این کتاها عبارتند از «الکافی» از ثقه الاسلام محمد بن یعقوب کلینی «من لا یحضره الفقیه» نوشته شیخ محدثان، محمد بن علی بن حسین صدوق و «تهذیب» و «استبصار» از شیخ الطایفه محمد بن حسن طوسی. رهبران این دوره بزرگترین محدثان و فقهای شیعه امامیه به حساب می‌آیند. افزون بر صاحبان کتب اربعه، علی بن ابراهیم قمی صاحب

تفسیر معروف و استاد ثقة الاسلام کلینی، ابو القاسم جعفر بن محمد بن جعفر بن موسی بن قولویه، علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی، از بزرگان محدثین می‌باشد (گرگی، تاریخ فقه و فثها، ص ۱۲۶). برخی در دوره محدثان را تا شیخ حر عاملی، صاحب مجموعه روایی بزرگ به نام وسائل الشیعه، یعنی قرن ۱۲ دانسته و وی را خاتم محدثین لقب داده‌اند (آیت الله معرفت، مصونیت قرآن از تحریف، ص ۹۸).

در مقابل این نظر دیدگاه انسدادیون قرار دارد که معتقدند در عصر غیبت امام (ع) امکان دستیابی به احکام شرعی به طور یقین و قطعی نیست و راه علم به آن‌ها مسدود می‌باشد (میرزای قمی، قوانین الاصول، ص ۳۴۲ و ۴۰۱).

انسدادیون به آن دسته از فقهای شیعه اطلاق می‌شود که معتقدند در عصر غیبت امام معصوم (ع) مانند زمان کنونی تمام راههایی که به توان به صورت قطع و علم به احکام فرعی و شرعی رسید بسته است و تنها راه عمل به ظن مطلق در این وضع می‌باشد. آنان برای اثبات نظر خود مقدماتی مطرح می‌کنند که به مقدمات انسداد معروف است. اکثر دانشمندان اصولی با این عقیده مخالفت کردند در مقابل آنان به انفتاحیون معروف گردیده‌اند (رک: میرزای قمی، قوانین الاصول، ص ۳۴۲ و ۴۰۱ و شیخ انصاری، فرائد الاصول، ج ۲، ص ۱۷۶ و دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۵۵۱).

از طرف دیگر اخباریین با نفی حجیت ظواهر قرآن، در مقابل سایر اصولیین قرار گرفته‌اند، افزون بر این که با منحصر کردن دلیل احکام در اخبار و روایات، درباره دلایل عقل و اجماع نیز با اصولیین اختلاف به هم رسانده‌اند (محدث بحرانی، الدرر النجفیه، ص ۲۵۴ علامه استرآبادی، الفوائد المدینه، ص ۱۲۸).

اصولیین لقبی است که به تمامی مجتهدین و فقهای شیعه اطلاق می‌شود که در استنباط احکام شرعی بر اصول و قواعد فقه که با ادله تفصیلی تهیه و تمهید می‌کنند، پایبند هستند و معتقدند مدارک احکام علاوه بر سنت کتاب، عقل و اجماع نیز می‌باشد.

دوره این دانشمندان از زمان قدیمین- ابن ابی عقیل عمانی و ابن جنید اسکافی- شروع می‌شود و با ظهور شیخ مفید که عقل جایگاه خاصی در فقه شیعه پیدا کرد و سید مرتضی و دیگر فقیهان متکلم در نیمه اول قرن پنجم، مکتب اصولیین بر جهان شیعه تسلط یافت و بعد از یک دوره ضعف در قرن ۱۱ و ۱۲ تاکنون به قوت استمرار داشته است (گرگی، تاریخ فقه و فقها، ص ۲۳ و دایرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۲۴۶).

مرحوم سید محمد دسفوری به تفصیل اختلاف اخباریین با اصولیین را در هشتاد و شش مورد ذکر نموده است (دسفوری، الفاروق الحق، ص ۵۶).

اگرچه تفکر اخباریگری بعد از دو قرن در حوزه‌های رخت بر بست، اما تأثیر بسیار زیادی در اجتهاد و سیر مباحث اصول فقه گذاشت، به گونه‌ای که هم‌اکنون دانشمندان اصول فقه در مباحث اصولی متداول، خود را ملزم به طرح برخی از نظریات و بررسی و نقد آن‌ها می‌بینند. اگر ادعا کنیم بی‌رنگ شدن نقش قرآن در استنباطات فقهی در ادوار بعدی اجتهاد به نحوی متأثر از اخباریین بوده سخنی به گزاف نگفته‌ایم افزون بر این که نظرات آنان در تحریف قرآن دست‌مایه تاخت و تاز برخی علیه مذهب شیعه قرار گرفت (علامه امینی، الغدیر، ج ۳) که هنوز ادامه دارد. آن‌چه امروزه اهمیت و ضرورت بررسی نظریه اخباریین را بیشتر آشکار می‌سازد این است که آثار برجای مانده اخباریین به خصوص نظر آنان در حجت نبودن ظواهر قرآن مورد استناد برخی از روشنفکران مسلمان در انکار اعتبار و مقبولیت فهم فقهی کتاب و سنت قرار گرفته است (سروش، قبض و بسط تئوریک شریعت، ص ۴۵).

در این بخش ابتدا نظرات گوناگون اخباریین در اعتبار ظواهر و دلایل آنان طرح و بحث شده و سپس با تکیه بر نظرات امام خمینی و نائینی به نقد ادله اخباریین پرداخته و موضوع تحریف قرآن با تفصیل بیشتر دنبال شده است. در پایان به برخی اثرات نامطلوب حجت نبودن ظواهر قرآن و در نهایت تحریف آن اشاره شده است.

#### ۴. آرای مختلف اخباریین

اخباریین در انکار اعتبار و حجیت ظواهر آیات دارای نظر یکسان نبوده بلکه تفصیلات متعددی ابراز داشته و به توجیحات مفصلی دست یازیده‌اند. عموم اخباریین، ظواهر کلمات ائمه اطهار(ع) را پذیرفته‌اند. عمده‌ی نظرات این دسته از علمای امامیه به قرار زیر می‌باشد:

##### ۱.۴. انکار حجیت بودن ظواهر تمام آیات

محدث فاضل، سید نعمت الله جزایری نقل می‌کند که اخباریین ظواهر آیات قرآن را که در بیان آن‌ها خبری از پیامبر(ص) و سایر معصومین(ع) نرسیده حجت نمی‌دانند. سید صدر نیز در شرح وافیه می‌فرماید: «با تأمل در کلام مصنف به دست می‌آید، نسبتی که سید نعمت الله به اخباریین داده صحیح می‌باشد» سپس اضافه می‌کند: «اگر سید محدث این نسبت را به اخباریین نمی‌داد، آن‌چه از کلمات آنان متبادر به ذهن می‌گردد، تکذیب این نسبت بود». (آیت الله تنکابنی، ایضاح الفوائد، ص ۱۴۷). از کلمات محدث استرآبادی چنین برداشت می‌شود که وی نه تنها ظهور آیات قرآنی بلکه ظواهر روایات پیامبر اکرم(ص)، را بدون بهره‌گیری از روایات ائمه‌ی اطهار(ع) و تفسیر آنان حجت نمی‌دانسته است (علامه استرآبادی، فوائد المدینه، ص ۱۲۵). وی ابراز داشته: «اخباریین در فتاوی خود جز به روایاتی که در پرتو قرائن موجود دلالت روشن و قطعی دارند، تکیه نمی‌کنند و این قرائن که دلالت روایات را روشن و قطعی می‌سازد، فقط در کلمات اهل بیت(ع) آمده است و در کتاب خدا و کلمات رسول خدا (ص) نیامده است (همان، ص ۴۰)، سپس ایشان ادامه می‌دهد: «... و اجبوا التوقف و الاحتیاط عند ظهور خطاب یکون سنده او دلالت غیر قطعی...». وی معتقد است: دلالت آیات و روایات نبوی غیر قطعی است و تمام ظواهر کلمات ائمه‌ی اطهار(ع) به خاطر قرائن، روشن و قطعی است و در جای دیگر می‌فرماید: «... و انه لا سیل لنا فیما لانعلمه من الاحکام النظریه الشرعیه اصلیه کانت او فرعیه الا السماع من الصادقین-علیهم السلام- (همان، ص ۴۷ و ۱۲۲). مرحوم فیض این نظریه را از قول استرآبادی نقل می‌کند و آن را نقد می‌کند. (آیت الله فیض، اصول الاصلیه، ص ۱۳۴ و ۱۴۲)

##### ۲.۴. تفاوت در نصوص و ظاهر آیات

سید صدر معتقد است که آیات نص قرآن که دارای دلالت قطعی هستند معتبر و حجت می‌باشند، اما آیاتی که ظهور در معنی دارند حجت نمی‌باشد. (آیت الله نائینی، فوائد الاصول، ص ۴۶) این نظر از کلمات صاحب حدائق نیز استفاده می‌شود. (آیت الله تنکابنی، ایضاح الفوائد، ص ۱۴۶)

##### ۳.۴. تفاوت در ظواهر آیات احکام و دیگر آیات

صاحب حدائق بر آن است که ظهور آیات احکام حجت نمی‌باشد، اما می‌توان به ظاهر آیات دیگر اعتماد نمود. این نظر از برخی از کلمات سید صدر نیز استنباط می‌شود (آیت الله تنکابنی، ایضاح الفوائد، ص ۱۴۷).

#### ۵. تفاوت بین فهم خواص (یا صاحب قوه‌ی قدسیه) از ظاهر قرآن و دیگران

مرحوم فیض کاشانی بین غیر معصومین تفاوت قایل شده و معتقد است: «قرآن برای خواص دانشمندان مخلص و منقاد پروردگار، مطیع اهل بیت(ع)، متبوع و مطلع بر علم و اسرار اهل بیت(ع) و راسخین در علم حجت و معتبر می‌باشد، اما کسانی که این اوصاف را ندارند، نمی‌توانند به مراد و مقاصد قرآن دست یابند و به ظواهر کتاب تکیه کنند.» (آیت الله فیض، تفسیر صافی، ج ۱، ص ۲۳) وی در کتاب الاصول الاصلیه نیز همین نظر را یادآور می‌شود (آیت الله فیض، اصول الاصلیه، ص ۱۲۰) و از همین رو بعد از رد سخن علامه استرآبادی می‌فرماید: «... و انه يجوز العمل بظواهر الكتاب و السنه...» (همان، ص ۱۳۵)

**۶. دلایل اخبارین**

اخبارین دلایل متعددی برای قبول احکام براساس اخبار رسیده از اهل بیت و نفی حجت بودن ظواهر آورده‌اند. از جمله علامه استرآبادی هشت دلیل در توجیه منحصر کردن مدرک احکام در اخبار ائمه‌ی اطهار(ع) ذکر کرده است و اصولین دیگر هفت توجیه اضافی از قول اخبارین نیز برشمرده‌اند.

در ادامه‌ی این مقاله ابتدا اشاره‌ی اجمالی به هشت توجیه علامه استرآبادی می‌گردد و برای رعایت اختصار، از نقد و نظر تمامی آن‌ها خودداری می‌شود چراکه دیگران در این باب و رد نظرات آنان مطالب کافی نوشته‌اند. تنها سه مورد آن به نظر امام خمینی و علامه نائینی مورد بحث قرار می‌گیرد.

**۷. توجیهات علامه استرآبادی**

مرحوم ملا امین استرآبادی در فصلی از کتاب خود تحت عنوان؛ فی بیان انحصار مدرک ما لیس من ضروریات الدین من المسائل الشرعیه اصلیه کانت او فرعیه فی السماع عن الصادقین (علیهم السلام)، دلایل خود را در منحصر بودن مدرک احکام به اخبار صادقین(ع) که در واقع دلایل رد اعتبار ظواهر نیز می‌باشد، بیان می‌کند. این وجوه به‌طور اجمال در زیر آورده می‌شود:

۱. دلیل قطعی بر اجازه برای تمسک به غیر کلام عترت طاهره (ع) در فهم احکام دین نداریم، درحالی که هیچ شکی در جواز تمسک به سخنان آنان وجود ندارد لذا اخبار و احادیث آنان بر ما متعین می‌شود.
۲. حدیث متواتر ثقلین تمسک به کلام ائمه‌ی اطهار(ع) را بر ما واجب می‌سازد زیرا با آن تمسک به مجموع کتاب و عترت متحقق می‌شود و سر مطلب این است که هیچ راهی برای فهم مراد خدا از کتاب مگر از طریق اهل بیت(ع) وجود ندارد. (آیت الله خویی، البیان، ص ۴۹۹).
۳. هر راهی غیر از طریق اهل بیت(ع) منجر به اختلاف فتوا و دروغ می‌گردد و هر مدرکی چنین لوازمی داشته باشد، مردود است.
۴. هر مسلکی غیر از کلام اهل بیت(ع) ظنی خواهد بود و طریق ظنی به احکام نیز قابل اعتماد نیست.
۵. اخبار متواتر در بیان مراد قول خداوند که فرمود: «فاسئلوا اهل الذکر ان کنتم لا تعلمون، (انبیاء آیه ۷) بر ما واجب می‌کند تا در تمام امور دینی که علم نداریم، از اهل الذکر(ع) جویا شویم.
۶. عقل و نقل مصلحت بعثت‌ها و ارسال کتب را در رفع اختلاف در بین عباد می‌داند تا نظام معاش و معاد آنان سامان یابد و چنانچه ظن از قواعد شرعیه برای نیل به احکام باشد، مصلحت مزبور از کف می‌رود، زیرا موجب اختلاف و خصومت می‌گردد، چنانکه تاکنون شاهد آن بوده‌ایم.
۷. روایت معصومین(ع) که فرمودند: این علم است و بر آن قفلی نهاده‌اند و کلید آن سؤال [اشاره به روایت امام صادق(ع)] است.
۸. دقیقه‌ی شریفی<sup>۱</sup> که به اختصار نقل می‌گردد. علم مصون نگاه داشتن ذهن از خطا در صورت قضایا و استدلال است و نه در مادی آن‌ها و اگر به کلام معصومین(ع) تمسک کنیم، از خطا در ماده هم مصون خواهیم ماند، زیرا علما با تکیه بر دانش منطقی در صورت قضیه و استدلال هرگز دچار اشتباه نمی‌شوند و محل خطای آنان ماده‌ی قضایا بوده و از آن جا که مصونیت از خطا مطلوب شرع و عقل است پس اعتماد به دلیل ظنی که احتمال خطا در آن وجود دارد، جایز نیست چه ظنی اللدلاله باشد، مانند ظواهر قرآن و یا ظنی المتن و یا هر دو ظنی باشد. (علامه استرآبادی، الفوائد المدینه، ص ۱۲۸).

**۸. توجیحات دیگر**

سایر ادله که مختص انکار حجیت ظواهر می باشد و اصولیین با توجه به کلمات اخباریین شمارش نموده اند به هفت مورد می رسد.

لازم به ذکر است برخی از موارد ناظر به نفی شیوه شکل گیری ظهور و بحثی صغروی می باشد و برخی نیز نظر به نفی حجیت بودن ظواهر دارد که بحثی کبری است. مرحوم تنکابنی (ایضاح الفوائد، ص ۱۲۴)، مرحوم آشتیانی (بحر الفوائد، ص ۹۳) و مرحوم میرزا موسی تبریزی (اوثق الوسائل، ص ۲۵۱) سعی داشته اند تمام وجوه مختص نفی حجیت بودن ظواهر را برشمارند. در این جا به اشاره اجمالی آن ها اکتفاء می شود.

۹. الفاظ قرآن از قبیل رموز و کنایات می باشند و جز برای پیامبر (ص) و معصومین (ع) قابل شناخت نمی باشد.
۱۰. قرآن دارای معانی غامض و مضامین شامخ بوده و با حجم اندک مشتمل بر جمیع علم گذشته و آینده است و فکر بشری بدان دست نمی یابد و فقط در دسترس راسخون در علم یعنی ائمه اطهار (ع) می باشد.
۱۱. اگرچه قرآن فی حد ذاته دارای ظهور است، اما به علت وجود علم اجمالی به قرائن ناپیوسته، مانند مخصصات و مقیدات، آن ظهور قابل دستیابی نمی باشد و این امور باعث اجمال حکمی ظواهر کتاب می گردد.
۱۲. روایات متعددی بر وقوع تحریف قرآن دلالت دارد و با وجود تحریف قرآن احتمال از بین رفتن و دگرگونی قرینه های متعدد می رود، لذا ظهوری برای آیات منعقد نمی گردد تا بتوان بدان تمسک نمود (به نقل از آیت الله خویی، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۱۲۲ و البیان، ص ۲۷۰ و آیت الله عراقی، نهایی الافکار، ج ۲، ص ۹۱ و آیت الله نائینی، فوائد الاصول، ج ۳، ص ۱۳۶). مواردی که گذشت همه ناظر به منع صغرای استدلال و نفی ظهور قرآن بود، اما مواردی که به دنبال می آید، به نفی اعتبار ظهور برآمده از قرآن، نظر دارد.
۱۳. خداوند متعال ما را از پیروی از متشابهات منع کرده، آن جا که فرمود: فاما الذین فی قلوبهم زیغ فیتبعون ما تشابه منه (آل عمران، آیه ۸)؛ هر آیه ای که دارای چند احتمال باشد تشابه و در مقابل محکم و نص می باشد، بنابراین ظواهر که دارای چند احتمال هستند متشابه و دارای اعتبار نمی باشند.
۱۴. روایات زیادی در نهی از تفسیر قرآن به رأی وارد شده است (شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، باب ۱۳ و ۱۴ از ابواب صفات القاضی) و توسل به ظاهر جز تفسیر به رأی نمی باشد.
۱۵. روایات متعددی در اختیار داریم که فهم قرآن را منحصر در اهل بیت (ع) و پیامبر گرامی (ص) می نماید (شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، باب ۶ از ابواب صفات القاضی، حدیث ۳۰ و ۳۱)، لذا فهم ما از قرآن قابل اعتماد و موثق نمی باشد.
۱۶. روایات متعددی در دست است که ما را از ظواهر قرآن منع نموده و دلیل منع هم عدم پیوستگی آیات معرفی شده است. در پاره ای موارد ابتدای آیه مربوط به موضوعی و آخر آن مربوط به موضوع دیگر است (به نقل از آیت الله خویی، مصباح الاصول، ج ۲، ص ۱۲۴ و ۱۲۵ و البیان، ص ۲۶۷ و ۲۷۱ و آیت الله عراقی، نهایی الافکار، ج ۲، ص ۹۱).

**۹. دیدگاه اصولیون**

آیت الله نائینی استدلال اخباریین بر عدم جواز عمل به ظواهر کتاب را منحصر در دو وجه دانسته است:

اول: علم اجمالی به وجود تقیید و تخصیص بسیاری از آیات عام و مطلق کتاب به وسیله مقید و مخصص لفظی و عدم دسترسی به جمیع مقیدات و مخصصات.

علم اجمالی مزبور مانع کارکرد مطلوب اصول لفظیه زبانی، مانند اصاله العموم و اصاله الاطلاق در قرآن می گردد درحالی که کارکرد مطلوب این اصول مبنای شکل گیری ظهور می باشند.

دوم: اخبار و روایات که ما را از عمل به کتاب نهی می کند.

مرحوم نائینی جمیع روایاتی را که مبنای دلیل پنجم تا هشتم استرآبادی قرار گرفته، در دو دسته‌ی فراگیر جای داده و سپس به ارزیابی کلی آن‌ها پرداخته است.

دسته‌ی اول: روایاتی که ما را از تفسیر قرآن به رأی و استحسانات ظنی منع می‌کند.

دسته‌ی دوم: اخباری که ما را از عمل به ظاهر کتاب به‌طور مستقل و بدون مراجعه به اهل بیت (ع) باز می‌دارد.

ایشان در نقد دلیل اول می‌فرمایند: «علم اجمالی به تقیید و تخصیص موجب کاوش و فحص از مقیدات و مخصصات می‌شود و پس از تفحص و جستجو به مقدار واجب، علم اجمالی ما منحل گردیده و بسا علم مزبور منطبق بر همان مقدار از یافته‌ها باشد. بنابراین علم اجمالی مزبور موجب سقوط اعتبار و حجیت ظواهر کتاب نمی‌شود» (آیت الله نائینی، فوائد الاصول، ج ۳، ص ۱۳۶).

مرحوم آقا ضیاء به نقد آیت... نائینی ایراد گرفته و می‌فرماید: «علم تفصیلی بعد از فحص و جستجو برای دفع شبهه اخباریین کفایت نمی‌کند، زیرا صرف دست‌یابی به آن مقدار از مقیدات و مخصصات که علم اجمالی به آن‌ها داریم، اثر علم اجمالی را بر طرف نکرده و باعث انحلال آن نمی‌گردد مگر این که دلیل اقامه شود که مقدار یافت‌شده مساوی با همان مقدار معلوم به اجمال باشد و در صورت فقدان چنین دلیلی، این احتمال وجود دارد که مخصصات و مقیدات پیدا شده، غیر از آن مواردی است که علم اجمالی به وجود آن‌ها داشته‌ایم و یا کمتر از آن‌ها باشد (آیت الله عراقی، نهیه الافکار، ج ۲، ص ۹۳).

واقعیت امر این است که ایراد آقا ضیاء به هیچ‌وجه بر کلام علامه وارد نمی‌باشد. بلکه ایراد مزبور گویای این مطلب است که فحص و کاوش هنوز به‌طور کامل و به مقدار لازم صورت نگرفته و یا این که کاوشی موجب انحلال علم اجمالی مزبور می‌شود که به دنبال مقیدات و مخصصات نفس الامری و موجود در واقع باشد که دست‌یابی به آن‌ها خارج از طاقت بشری است و الا بعد از کاوش در اخبار و روایات و سایر ادله‌ی موجود به دست ما رسیده و بعد از دست‌یابی به آن مقدار از مخصصات و مقیدات و قراین که یافتن آن در طاقت مجتهد می‌باشد، علم اجمالی باقی نمی‌ماند.

علاوه بر آن چه مرحوم نائینی در ابطال دلیل مزبور بیان کرد، باید افزود که اگر علم اجمالی یاد شده موجب سقوط حجیت ظواهر قرآن گردد، عین همین دلیل در روایات نیز اقامه و باعث سقوط اعتبار روایات و عدم جواز عمل به آن‌ها می‌شود، زیرا درباره‌ی روایات و احادیث نیز علم اجمالی به وجود تقیید، تخصیص و قرینه‌ی برخلاف داریم و هیچ تفاوتی بین این دو علم وجود ندارد، بنابراین دلیل مزبور آن‌چه اخباریین به دنبال اثبات و تعین آن بودند- یعنی انحصار مدرک احکام در اخبار و روایات نیز باطل می‌نماید.

آیت الله نائینی درباره‌ی وجه دوم استدلال اخباریین که روایات و اخبار بود و جمیع آن‌ها را در دو دسته تقسیم کرد، می‌فرماید: دسته‌ی نخست از روایات که ما را از تفسیر به رأی و استحسانات ظنی باز می‌دارد و اخباریین تمسک به ظواهر را مصداق تفسیر به رأی و مشمول این اخبار دانسته‌اند، ادعای اخباریین را اثبات نمی‌کند. زیرا اساساً فهم ظواهر در حوزه‌ی تفسیر نیست و ظهورشناسی عنوان تفسیر به خود نمی‌گیرد. زیرا تفسیر یعنی کشف قناع، برداشتن پوشیدگی و کنار نهادن نقاب از لفظ برای درک مراد گوینده و لذا خود ظاهر کلام پوشیدگی و نقاب ندارد تا بتوان دریافت آن را تفسیر نامید (آیت الله نائینی، فوائد الاصول، ج ۳، ص ۱۳۷).

تحقیق مطلب این است که بیان علامه نائینی برای ابطال این دلیل اخباریین، کفایت نمی‌کند، زیرا ظهور معتبر که موضوع حجیت می‌باشد، ظهور تصویری یا ظهور تصدیقی استعمالی نمی‌باشد و فهم ظاهر تصدیقی کاشفه، نیز بعد از ترکیب و انضمام سایر قراین و دلایل نقلی و عقلی و یا بعد از اعمال اصول عقلانی‌هی لفظی می‌باشد که این خود عین تفسیر است. بدین جهت علما در فهم ظواهر با هم اختلاف پیدا می‌کنند، زیرا تفسیر آنان از ظواهر آیات مختلف می‌شود. بنابراین به صرف این که ادعا کنیم، فهم ظاهر یا عمل به آن تفسیر نیست نمی‌توان خود را از این شبهه رها نمود. بلکه ظهورات عرفی و یا لغوی اساساً تفسیر نمی‌باشند و حق مطلب در نفی شبهه مزبور، تأمل در معنی و مراد از تفسیر به رأی که نهی شده، نهفته است.



تفسیر به رأی به یکی از معانی زیر اطلاق می‌شود:

1- مفسر قبل از رجوع به قرآن، خود دارای یک رأی و عقیده است و یا یک نیت پسندیده و مصلحتی مطلوب در نظر دارد. با مراجعه به آیات قرآن، از آیات یکی از احتمالات خلاف ظاهر و یا احتمالات آیهی مجمل را برداشت به طوری که احتمال برداشت کرده مطابق و یا مؤید عقیده‌ی پیشین وی یا نیت پسندیده و مصلحت مورد نظر او باشد. بدین ترتیب ظواهر از این ماجرا به دور می‌ماند و فهم ظاهر آیات تفسیر به رأی و استحسان تلقی نمی‌شود.

2- مفسر بدون مراجعه به نظرات ائمه‌ی اطهار (ع) و روایات آنان و بدون کاوش در مقیدات و مخصصات و قراین‌روایی به فهم ظواهر کتاب پردازد. حال آن که فهم ظواهر بعد از رجوع به نظرات ائمه‌ی اطهار (ع) و دفع احتمال وجود قراین، مخصص و مقید و یا انضمام قراین به دست آمده به آیات، تفسیر به رأی تلقی نمی‌شود.

البته معنی دیگری از تفسیر به رأی ارائه شده که جهت جلوگیری از اطاله کلام و دور بودن از صواب از ذکر آن خودداری می‌شود (آیت الله صدر، بحوث فی الاصول، ج ۴، ص ۲۸۷).

آیت الله نائینی در بررسی دسته دوم روایات که ما را از عمل به ظواهر بدون مراجعه به اهل بیت (ع) نهی می‌کند- و در اثبات نارسایی دلالت آن‌ها بر ادعای اخباریین می‌فرماید: «این دسته از روایات مدعای اصولیین در حجیت ظواهر قرآن و عمل به آن را در بر نمی‌گیرد، زیرا اصولیین بعد از مراجعه به روایات و اخبار اهل بیت (علیهم السلام) در تفسیر آیات و کاوش از قراین حالیه و مقالیه نهفته در کلمات آنان، ظاهر کتاب را حجت دانسته و بدان عمل می‌کنند و کسی مدعی جواز استقلال عمل به ظواهر قرآن و بدون مراجعه به اخبار رسیده، نمی‌باشد.

علاوه بر این که اخبار متعددی در حد تواتر در اختیار ما می‌باشد که نه تنها عمل به کتاب و تمسک به ظواهر آن را تجویز می‌نماید بلکه بر ما واجب کرده است.» (آیت الله نائینی، فوائد الاصول، ج ۳، ص ۱۳۷) واقعیت این است که علاوه بر دو نکته‌ی یاد شده که مرحوم نائینی در نارسایی بهره‌گیری اخباریین از این قبیل روایات برای اثبات عدم حجیت ظواهر قرآن بیان داشته است، دلایل متعدد دیگری وجود دارد که گفته‌ی آیت الله نائینی را تایید می‌کند. اصولیین پیش از مرحوم نائینی مانند آیت الله وحید بهبهانی، شیخ جعفر کاشف الغطا و شیخ انصاری و دیگر علمای هم عصر با علامه استرآبادی و بعد از وی نیز به تفصیل به این مطلب پرداخته‌اند.

آیت الله نائینی در پایان بیاناتش به باور خود اشاره می‌کند که «بحث بیشتر پیرامون نظر اخباریین، آن گونه که شیخ انصاری وارد آن مباحث شده، لازم نیست و انصاف این است که مراجعه‌ی تنها به روایات اخبار این باب و تأمل در آن‌ها برای تصدیق نادرستی نظر اخباریین کفایت می‌کند.

منظور علامه نائینی از اخبار این باب آن دسته روایاتی است که ائمه هدی با ظاهر آیات بر تعدادی از احکام شرعی در نزد اصحاب یا سؤال کننده حکم شرعی، استدلال کرده‌اند و در واقع امام (ع) با برخی از این قبیل روایات راه و روش استنباط حکم را تعلیم داده‌اند، مثلاً روایتی در پاسخ به کیفیت وضوی شخصی که ناخنش شکسته و بر آن پارچه و مرهم گذاشته است امام (ع) می‌فرماید: «حکم این مورد و اشباه آن از آیه‌ی ما جعل علیکم فی الدین من حرج فهمیده می‌شود، پس بر روی مرهم مسح نماید» (آیت الله نائینی، فوائد الاصول، ج ۳، ص ۱۳۷) آیا قابل تصور است که امام (ع) حکم وضوی جبیره در این مورد صرف نظر از آیه مزبور نمی‌دانسته؟! چگونه می‌توان ادعا کرد امامی که می‌فرماید: «اصول احکام را از ما اخذ کنید و خود فروع و احکام جزئی را براساس آن اصول استنباط کنید.» حکم این مورد جزئی را نمی‌دانسته و از قرآن استنباط کرده است؟ بنابراین باید اذعان کنیم، برخی از روایات که امام به آیات قرآن استناد کرده است، جنبه تعلیمی روش‌شناسی در اجتهاد و استنباط داشته است که در این صورت اعتراف به حجیت ظواهر قرآنی به طور مستقل از تفسیر ائمه (ع) کرده‌ایم. مثلاً در روایت مورد اشاره امام (ع) در صدد این بوده است که به سؤال کننده مرحوم امام (ره) همانند نائینی معتقد است که «اطاله‌ی

کلام در این مجال اتلاف وقت بوده و بعد از اثبات قاطع حجیت ظواهر قرآن و روایات، پرداختن به امور ضعیف و سستی که اخباریین برای رد اعتبار ظواهر قرآن به آنها چنگ زده‌اند. سزاوار نمی‌باشد (آیت الله خمینی، تنقیه الاصول، ج ۳، ص ۱۳۰). از همین رو امام (ه) بحث نظرات اخباریین را از دوره‌های مختلف درس خارج اصول خود به کنار گذاشته و فقط به دو دلیل اخباریین که نائینی به طور مختصر به نقد آنها پرداخته، اشاره‌وار می‌گذرد (امام خمینی، انوار الهدایه، ج ۱، ص ۲۴۷ و تهذیب الاصول، ج ۲، ص ۱۶۵). اما در باب تحریف قرآن که آنان ادعا کرده‌اند گسترده‌تر به بحث می‌پردازد و آن را اتهام شنیع و فزیح به کتاب الهی می‌داند (امام خمینی، انوار الاصول، ج ۱، ص ۲۴۷). قنفهیم نماید که وی بدون سؤال از امام (ع) هم می‌توانسته به طور مستقل از ظاهر آیه حکم وضوی جبیره در آن مورد را بفهمد. متن روایت یادشده چنین است:

محمد بن الحسن باسناده عن احمد بن محمد، عن ابن محبوب، عن الحسن بن رباط، عن عبد الاعلی مولی آل سام، قال: قلت لابی عبد الله (علیه السلام): عثرت فنقطع ظفیری، فجعلت علی أصبعی مراره، فکیف أصنع بالوضوء؟ قال: یعرف هذا و أشباهه من کتاب الله عز و جل - قال الله تعالی: ما جعل علیکم فی الدین من حرج، اسمح علیه. (شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، باب ۳۹ از ابواب وضوء، ج ۱، ص ۲۳۷، حدیث ۵).

از این نوع روایات مواردی است که به ذکر آدرس آنها بسنده می‌شود: (همان، باب ۲۳ از ابواب الوضوء، ج ۱، ص ۲۹۱، حدیث ۱ و همان، باب ۱۳ از ابواب التیمم، ج ۲، ص ۹۸۱، حدیث ۱ و ۲ و آیت الله خویی، البیان، ص ۲۶۴).

دسته دیگری از روایات که مد نظر آیت الله نائینی است احادیثی است که معصومین (ع) در آنها امر می‌کنند که برای تشخیص صحت یا سقم روایات یا شروط ضمن عقد به قرآن رجوع کرده و آن روایات یا شروط را به قرآن عرضه کنیم. مثلاً و عنه عن ابیه، عن ابیه، عن النوفلی، عن السکونی، عن ابی عبد الله (ع) قال: قال رسول الله (ص): ان علی کل حق حقیقه، و علی کل صواب نور فما وافق کتاب الله فخذوه و ما خالف کتاب الله فدعوه. (شیخ حر عاملی، وسایل الشیعه، باب ۹ از ابواب صفات قاضی، حدیث ۱۰) از همین دسته روایات، مواردی است که به آدرس آنها اکتفا می‌شود: (پیشین، باب ۹ از ابواب صفات قاضی، حدیث ۱۱، ۱۸، ۱۴، ۱۹ و شیخ کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۳۳، حدیث ۴ و شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۳۶۲، حدیث ۲۷ و شیخ صدوق، الفقیه، ج ۱، ص ۲۱۲، حدیث ۵۶).

برخی اخباریین متأخر براساس اخبار و احادیث متعددی معتقد به تحریف قرآن بوده (شیخ کلینی، الکافی، ج ۲، باب النوادر من کتاب فضل القرآن، ص ۶۳۶ و شیخ صدوق، الاعمال، حدیث ثواب من قرأ سورة احزاب، ص ۱۳۷) و در نتیجه تحریف را موجب اجمال و عدم جواز بهره‌گیری از ظواهر قرآن دانسته‌اند. (محدث بحرانی، الدار النجفیه، ص ۲۹۴). مرحوم امام دلیل یادشده را هم از جهت صغری و اصل تحریف مردود و باطل و هم از جهت کبری ناتمام می‌دانند.

## ۱۰. نتیجه‌گیری

مباحث گذشته نشان می‌دهد که نظریه اخباریین مبنی بر حجت نبودن ظواهر قرآن با تمام تفصیلاتی که این دسته از دانشمندان ابراز داشتند، نادرست بوده و دلایلی که برای اثبات آن اقامه کرده‌اند فاقد استحکام و استواری است، از این رو دانشمندان از معاصرین اخباریین تا به امروز در ابطال نظر اخباریین تلاش جدی کرد‌اند.

مرحوم امام و آیت الله نائینی ضمن رد نظر آنان اکثر دلایل حجت نبودن ظواهر را فاقد ارزش علمی تلقی کرده و بطلان آنها را با اندک تأملی، بسیار روشن دانسته‌اند، در عین حال نائینی تمام دلایل اخباریین را در دو وجه یعنی علم اجمالی به تقیید و تخصیص بسیاری از آیات قرآن و دوم روایات منحصر کرده و هر دو را مردود دانسته است. مرحوم امام نیز تنها شدت آثار سوء نظر اخباریین مبنی بر تحریف قرآن را مورد توجه قرار داده و به رد نمودن آن می‌پردازد.

## ۱۱. مراجع

۱. آشتیانی، میرزا محمد حسن. بحر الفوائد، قم، مکتبه آیت الله مرعشی النجفی، ۱۴۰۳ ق.
۲. استرآبادی، محمد امین. الفوائد المدینه، چاپ سنگی، قم، کتابخانه عمومی آیت الله نجفی مرعشی، بی تا.
۳. انصاری، شیخ مرتضی. فرند الاصول، بی جا، ۲ جلدی، قم، موسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۴. بحرانی، سید هاشم. البرهان فی تفسیر قرآن، چاپ سوم، ۴ جلدی، بیروت، مؤسسه الوفا، ۴۰۳ ق.
۵. بحرانی، شیخ یوسف بن احمد. الدرر النجفیه، چاپ سنگی، قم، موسسه آل البیت، بی تا.
۶. تبریزی، میرزا موسی. اوثق الوسائل، تهران، مطبعه رشديه، ۱۳۸۷ ق.
۷. تنکابنی، سید محمد. ابضاح الفوائد، چاپ سنگی، تهران، کتابخانه دانشگاه الهیات و معارف اسلامی بی تا، ۱۳۵۸ ق.
۸. جزایری، سید نعمت الله. الانوار النعمانیه، مقدمه و پاورقی محمد علی قاضی طباطبایی، ۴ جلدی، تبریز، شرکت چاپ، بی تا.
۹. جناتی، محمد ابراهیم. ادوار اجتهاد، چاپ اول، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۷۲.
۱۰. حسینی میلانی، سید علی. التحقيق فی نفی التحریف عن القرآن، نجف، مطبعه الحیدریه، ۱۴۱۳ ق.
۱۱. خمینی، روح الله. انوار الهدایه، چاپ دوم، ۲ جلدی، تهران، موسسه نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۳ ش.
۱۲. خوبی، سید ابو القاسم. مصباح الاصول، تقریر محمد سرور البهبودی، مکتب الداوری، قم، بی تا.
۱۳. رامیار، محمود. تاریخ قرآن، چاپ دوم، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۲ ش.
۱۴. سروش، عبد الکریم. قبض و بسط تئوریک شریعت، چاپ دوم، تهران، موسسه فرهنگی صراط، ۱۳۷۱ ش.
۱۵. سلمانپور، محمد جواد. علی (ع) قرآن ناطق، چاپ اول تهران، نشر عابد، ۱۳۸۰ ش.
۱۶. "علی (ع) و فاطمه (ع)، نور علی نور"، چاپ اول تهران، نشر عابد، ۱۳۸۰ ش.
۱۷. صدر حاج سید جواد، احمد. دایره المعارف تشیع، ج ۲، چاپ دوم تهران، سازمان دایره المعارف تشیع، ۱۳۷۲.
۱۸. صدوق، ابی جعفر محمد بن علی. ثواب الاعمال، بی جا، تهران، مکتب الصدوق، ۱۳۹۱ ق.
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، ۲ جلدی، تهران، دار الكتاب الاسلامیه، ۱۳۹۷ ق.
۲۰. عراقی، آقا ضیاء الدین. نهاییه الافکار، تقریرات محمد علی بروجردی، ۴ جلدی، بی جا، قم، موسسه النشر الاسلامی، بی تا.
۲۱. فیض کاشانی، محمد بن محسن. الاصول الاصلیه، تهران، سازمان چاپ دانشگاه، ۱۳۴۹ ش.
۲۲. گرجی، ابوالقاسم. تاریخ فقه و فقها، چاپ اول، تهران، سمت، ۱۳۷۵ ش.
۲۳. معرفت، محمد هادی. مصونیت قرآن از تحریف، ترجمه محمد شهرابی، چاپ اول، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۶.
۲۴. نائینی، میرزا محمد حسین. فوائد الاصول، تقریرات شیخ محمد علی کاظمی، چاپ هفتم، ۴ جلدی، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۲ ق.